

هدایت افکار عمومی در قرآن و منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی

غلامرضا گودرزی ۱ ، محمدمهدی ذوالفقارزاده ۲ ، حسین ابراهیمی کوشالی* ۳

rgodarzi@yahoo.com

zolfaghar@ut.ac.ir

h.ekoosha@gmail.com

^۱ استاد تمام ، مدیریت ، دانشگاه امام صادق (ع) ، تهران ، ایران

^۲ . استادیار ، مدیریت ، دانشگاه تهران ، تهران ، ایران

^۳ . دانشجوی دکتری ، مدیریت آینده‌پژوهی ، دانشگاه عالی دفاع ملی - نویسنده مسئول

چکیده

حکمرانی بر دو پایه‌ی اصلی حاکمان و مردم استوار است. یکی از مهمترین معرف‌های کیفی حکمرانی در عصر حاضر، نحوه مواجهه حاکمان با افکار عمومی جامعه است. از این منظر می‌توان ادعا کرد که مهمترین وجه تفاوت حکمرانی در مدل اسلامی نسبت به سایر مدل‌ها در عرصه مواجهه با افکار عمومی مردم مطرح می‌شود. در این مقاله، پژوهندگان به دنبال تبیین مفهوم هدایت افکار عمومی با استناد به نظریات علمی در حوزه چیستی افکار عمومی، مفهوم قرآنی هدایت و نهایتاً تلفیق این دو مفهوم در قالب هدایت افکار عمومی با استفاده از منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی هستند. ارائه تعریفی جامع از مفهوم هدایت افکار عمومی در یک جامعه تراز اسلامی با توجه به آثار و نتایج این هدایت در فضای اجتماعی، دستاورد ارزشمند این فعالیت علمی محسوب می‌شود. همچنین ایجاد زمینه شناخت منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی حول مسئله هدایت افکار عمومی جامعه از دیگر نتایج پژوهش محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: حکمرانی اسلامی ، هدایت افکار عمومی ، امام خمینی ، امام خامنه ای ، مفهوم هدایت ، قرآن

Abstract

Governance is based on two main pillars: rulers and people. One of the most important qualitative indicators of governance in the present age is how rulers deal with public opinion. From this perspective, it can be claimed that the most important aspect of governance in the Islamic model compared to other models is in the field of confrontation with public opinion. In this article, researchers seek to explain the concept of guiding public opinion by citing scientific theories in the field of what is public opinion, The Quranic concept of guidance and finally the combination of these two concepts in the form of guiding public opinion using the intellectual system of the two Imams of the Islamic Revolution. Provide a comprehensive definition of the concept of guiding public opinion in an Islamic society with respect to the effects and results of this guidance in the social space, is a valuable achievement of this scientific activity. Also, creating the ground for recognizing the intellectual system of the two Imams of the Islamic Revolution around the issue of guiding public opinion in society is another research result.

Keyword: Islamic governance, Guide public opinion, Imam Khomeini, imam Khamenei, The concept of guidance, Quran

۱

در همه جوامع انسانی، نیاز به طراحی روش حکمرانی ضرورتی انکار ناپذیر بوده است. رشد فکری بشر در طول تاریخ سبب شد تا روش‌های حکمرانی به تدریج از مدار سلطه‌گری زورمدارانه به سمت سلطه‌جویی اقناعی

گرایش پیدا کند. در شرایط جدید حاکمان چاره‌ای جز همراه کردن افکار عمومی جامعه با خود نداشته‌اند ولی در این مسیر هم با نوآوری‌های علمی، روش‌های مدیریت افکار عمومی را کشف و به کار گرفته‌اند. از سوی دیگر و از ابتدای خلقت بشر؛ خداوند تبارک و تعالی با ارسال رسل، زمینه هدایت افکار عمومی جوامع بشری را تدبیر نموده و اراده خود برای تحقق حکمرانی توحیدی را نشان داده است. ظهور و بروز انقلاب اسلامی ملت ایران با زعامت حضرت روح‌الله، گامی بلند در مسیر تحقق هدایت افکار عمومی یک جامعه موحد بود. تداوم چهل‌ساله این جهش فکری و عملی جامعه ایران در عصر حاکمیت جهانی کفر و الحاد، نشان داد که با عصای هدایت موسی می‌توان بر سحر مدیریت الحادی افکار عمومی توسط ساحران و فناوران متکی بر تمدن غربی فائق شد.

از منظر قرآنی؛ انسان به‌عنوان موجودی خردمند، متکامل، الگوپذیر، دنبال‌کننده مسیر ترقی و تعالی و دارای قوه یادگیری علاوه بر بهره‌گیری از عقل و پیامبر باطنی خود و خرد دیگران، به طور آشکار نیازمند به هدایت‌ها و تعالیم رسولان و پیامبران است. از سوی دیگر افکار عمومی که پدیده‌ای جمعی است، طی فرایندی اجتماعی در بستر زمان شکل می‌گیرد. زمانی که اکثریت یک جامعه به فکری گرایش پیدا کنند، به نحوی که آن عقیده بر دیگر جریان‌های فکری مسلط شود، افکار عمومی جنبه آشکار خواهد یافت.

حال اگر بخواهیم دو مقوله هدایت و افکار عمومی را در کنار هم مفهوم‌سازی کنیم نیازمند پژوهشی روشمند و متکی بر منابع علمی هستیم. در این مقاله، پژوهندگان به دنبال تبیین مفهوم هدایت افکار عمومی با استناد به نظریات علمی در حوزه چیستی افکار عمومی، مفهوم قرآنی هدایت و نهایتاً تلفیق این دو مفهوم در قالب هدایت افکار عمومی با استفاده از منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی هستند.

برای رسیدن به اهداف تعیین شده و ارائه پاسخ‌های عالمانه به سوالات این حوزه، ضمن استفاده از روش پژوهش اسنادی، بیانات امامین انقلاب اسلامی پیرامون موضوع هدایت جامعه و افکار عمومی با استفاده از روش تحلیل مضمون، تدقیق شده و به کشف منظومه فکری ایشان در عرصه هدایت افکار عمومی منجر شد.

ارائه یک تعریف جامع براساس مبانی قرآنی و فقهی از هدایت افکار عمومی به‌عنوان یک دستاورد مهم، زمینه‌ساز نگاهی نو به مسئله راهبردی هدایت فرهنگ و افکار عمومی جامعه ایران خواهد بود. همچنین توجه به مسئله هدایت افکار عمومی با شناخت منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، فضای علمی جدیدی را فراهم خواهد کرد. این فضای جدید، تکلیف مدیران فرهنگی و رسانه‌ای تراز انقلاب اسلامی را با مسئله هدایت افکار عمومی جامعه روشن کرده و رابطه بین مفهوم هدایت افکار عمومی و مدیریت افکار عمومی را آشکار می‌کند.

مفهوم افکار و عقاید عمومی، تاریخی طولانی دارد و به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. برخی افکار عمومی را به‌عنوان «مجموعه ای از عقاید» و یا «نوعی سازمان اجتماعی» می‌دانند. «آلبرت ون دیسی»^۱ یکی از پیشگامان علم حقوق در قرن نوزدهم، افکار عمومی را «واژه عمومی» برای باورها و اعتقادات گروهی از افراد جامعه بشری تعریف می‌کند [۱]. «چارلز هورتون کولی»^۲ (۱۹۱۸) افکار عمومی را صرفاً مجموعه ای از نظریات و عقاید جدا از هم نمی‌داند بلکه آن را سازمان یا فرآیندی مجتمع از تأثیرات ارتباطی و دو جانبه می‌دید و یا «فردیناند تونیس»^۳ (۱۹۳۵)، جامعه شناس آلمانی، افکار عمومی را عقاید مشترک گروهی از مردم می‌داند به ویژه زمانی که این عقاید به اثبات رسیده و یا مردود شده است. برخی دیگر افکار عمومی را پدیده‌ای محدود به جوامع جدید با سازمان‌های سیاسی توسعه یافته می‌دانند. «هانس اسپیر» معتقد است که افکار عمومی پدیده‌ای جدید است و ریشه‌های آن را باید در دوره انقلاب فرانسه جست و جو کرد. او افکار عمومی را اظهارنظرهای رایج درباره مسائل کشور و پدیده‌ای می‌داند که در همه کشورها دیده نمی‌شود و تنها در جوامع جدید شکل گرفته و با گسترش رسانه‌های همگانی و سازمان سیاسی تسریع یافته است.

به عقیده «توماس هابس»^۴ دنیا در سلطه افکار عمومی است. «ویلیام تمپل»^۵ معتقد است که تئوری افکار عمومی را باید طبق تئوری قدرت بنا نهاد. «روسو» در «قرارداد اجتماعی» از اراده عمومی سخن می‌راند و به اعتقاد وی این رهنمود تمام حکومت‌ها و قدرت‌هاست. پس از انقلاب فرانسه و آمریکا، این دو مفهوم کلی، به شکل قانون درآمد و در قوانین اساسی این کشورها متبلور شد. بدین‌گونه افکار عمومی به همراه دگرگونی بنیادی نظام قدرت و ساخت اقتصادی کشورهای غربی تطور پیدا کرد و به‌صورت یکی از عوامل سرنوشت ساز درآمد.

«ال نیک» افکار عمومی را ابراز عقیده در یک مسأله مورد اختلاف می‌داند. بدین معنی که هرگاه گروه مشخصی درباره مسأله مشخصی وارد تبادلات بسیار پیچیده فکری شود، از حاصل این تبادلات پدیده‌ای به نام افکار عمومی شکل می‌گیرد. برخی افکار عمومی را مجموعه‌ای از نظر، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در رابطه با یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان دانسته‌اند که در لحظه‌ای مشخص بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع به‌طور نسبی عمومیت پیدا کرده است. [۲]

افکار عمومی با سه پدیده ی اجتماعی پیوندی ناگستنی دارد: آزادی بیان، فردگرایی^۶ و ارتباطات. زمانی که اکثریت یک جامعه به فکری گرایش پیدا کنند، به نحوی که آن عقیده بر دیگر جریانات فکری مسلط شود، افکار عمومی جنبه آشکار خواهد یافت. افکار عمومی پدیده ای سیال و متغیر است. تغییرپذیری و سیلان افکار عمومی ناشی از کشاکشی میان دو قطب تشکیل دهنده‌ی آن است. از یک‌سو «نگرش‌ها»^۷ و از سوی دیگر

1. Albert Van Dicey

2. Cooley

3. Ferdinand Tonnies

4. Thomas Hobbes

5. William Temple

6. Individualism.

7. Attitude.

محیط و واقعیات متحول خارجی، در جریان درگیری مداوم‌شان حرکات فکری نوینی را سبب می‌شود. افکار عمومی در بستر این روند دایمی شکل می‌گیرد و تغییر می‌یابد.

به اعتبار این دگرگونی، می‌توان افکار عمومی را به دو دسته ی «آنی» و «پایدار» تقسیم کرد. دسته اول بر اثر یک حادثه غیرمترقبه پدید می‌آید و پس از محو آن حادثه ناپدید می‌شود. دسته‌ی دوم که پایدار نامیده می‌شود، آن دسته از افکار عمومی است که در طول زمانی طولانی مورد قبول گروه یا جمعی بوده است. نمونه‌های بسیار بارز انعطاف ناپذیری و مقاومت را می‌توان در آن دسته از افکار عمومی که به ارزش‌های بنیادین جامعه مربوط می‌شود، مشاهده کرد. باید توجه داشت که افکار عمومی به هیچ وجه حاصل جمع افکار فردی نیست، بلکه پدیده‌ی نوینی است که از عمل متقابل و ترکیب بسیار پیچیده‌ی تمام عقاید فردی حاصل می‌شود. با توجه به این که انسان موجودی منفرد نیست و با سایر افراد ارتباط ارگانیکی دارد، فکر انسانی نیز بدون ارتباط متقابل با سایر افکار، واژه مبهم و بی‌معنایی است. لذا افکار عمومی در یک بافت گروهی شکل می‌گیرد، نه در خلاء.

همانگونه که بیان شد، «نگرش‌ها» یکی از شالوده‌های افکار عمومی است. این واژه به معنی نوعی واکنش یا آمادگی برای عمل است و اعتقاد بر این است که بیان لفظی نگرش‌ها، همان عقیده است. به بیان دقیق‌تر، نگرش‌ها لایه زیرین عقیده است لذا سازنده و تعیین کننده و بسیار مستحکم‌تر از سطح بیرونی آن است.

بررسی افکار عمومی در سالیان اخیر نشان دهنده‌ی آن است که عقاید از بافت بسیار منسجمی که از نگرش‌ها تشکیل شده است، پدیدار می‌شوند. بدین معنی که اولاً عقیده‌ای که شخص راجع به فردی دارد با عقیده‌ای که درباره‌ی شخص دیگری دارد، دارای نوعی همبستگی و ارتباط است (هیچ عقیده‌ای تصادفی مطرح نمی‌شود). ثانیاً عقاید غالباً حالت دو قطبی دارند: انسان معمولاً نسبت به آن چه که در اطرافش می‌گذرد، موافق و یا مخالف است. از این حالت به عنوان یکی از ویژگی‌های کلی عقیده یاد می‌شود. البته حالات تردید، بی‌تفاوتی و یا بینابین نیز وجود دارد، ولی به ندرت یافت می‌شود و غالباً دیده شده است که در جریان واقعه‌ای خاص، حالت بی‌تفاوتی به یکی از دو قطب گرایش پیدا می‌کند.

از مجموع مباحث ارائه شده در خصوص افکار عمومی و چیستی آن؛ ما در این تحقیق، تعریف آقایان فردرو و رضایی (۱۳۸۸) را مبنا قرار می‌دهیم: «افکار عمومی، قضاوتی مورد قبول عامه مردم است که در این قضاوت جنبه عاطفی از جنبه استدلالی آن بیشتر است لذا ممکن است غلط هم باشد ولی واقعیت است.»

۳.

کلمه‌ی هدایت از ریشه هدی آمده است. هدایت در فرهنگ عرب، به معنای «ارشاد و راه نمودن» است و به کسی که پیشاپیش مردم حرکت می‌کند و آنان را راه می‌نماید، «هادی» گفته می‌شود. [۳] یکی از نام‌های خدا الهادی است: «مِنَ اسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى سُبْحَانَهُ: الْهَادِي؛ قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ: هُوَ الَّذِي بَصَّرَ عِبَادَهُ وَعَرَّفَهُمْ طَرِيقَ مَعْرِفَتِهِ حَتَّى أَفْرُوا بِرَبُّوبِيَّتِهِ، وَهَدَى كُلَّ مَخْلُوقٍ إِلَى مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ (ابن منظور، لسان العرب، «هدی») یعنی: او کسی است که بینائی می‌دهد بندگان را و شناخت می‌دهد راه معرفت و بینائی را به آن‌ها تا این که اقرار به ربوبیت

کند و همچنین هدایت می‌کند هر مخلوقی را به آن چه از معرفت برای اوست. هدایت به معنای ارشاد و راهنمایی [۴]، بیان راه رشد و کمال و بسترسازی برای رسیدن به قله کمال مطلوب است. [۵]

بدون هدایت الهی راهی برای سعادت و خوشبختی آخرت وجود ندارد، هرچند آدمی به صلاح و رستگاری اخروی تمایل دارد لکن مادامی که انسان به وجوه مصلحت آخرت جاهل باشد کاری از اراده و قدرت او ساخته نبوده و همه اینها بعد از هدایت الهی کارساز خواهند بود، بدین جهت است که قرآن کریم در آیه ۲۱ از سوره نور تزکیه و پاکی روح آدمی را تنها در پرتو فضل و رحمت الهی میسر دانسته است: *لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا*. [۶] مراد از آفرینش جسد و عطا کردن حواس، این است که ابزاری برای کسب معارف و علوم باشد؛ از طرفی احوال و خصوصیات جسد خسیس بوده و در نهایت به لذت‌های جسمانی از مأكولات و ملموسات برمی‌گردد، اما احوال روحانی و معارف الهی کمالات ماندگار و همیشگی بوده و مصون از کون و فساد است؛ پس معلوم می‌شود که خلقت برای هدایت و تابع آن بوده و مقصود برتر همان حصول هدایت است. [۷]

هدایت الهی دارای مراتب مختلف است و پروردگار عالم به صورت انواع هدایت «فطری»، «وجدانی»، «عقلی» و «وحيانی» انسان را به رشد و تعالی و حیات طیبه و جامعه توحیدی مبتنی بر تعاون، شورا و قسط فرا میخواند. پروردگار از طریق دو نبی درونی (عقل) و بیرونی (وحی) بشر را به راه راست هدایت میکند. قرآن در اصل کتاب هدایت است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹)

هدایت را از منظر دیگر به دو قسم «هدایت تکوینی» و «هدایت تشریحی» تقسیم کرده‌اند.

۱. هدایت تکوینی: هدایتی است که پروردگار به انسان عقل و شعور و ادراک داده است که ممیز حسن و قبح، و نفع و ضرر، و خیر و شر، و سعادت و شقاوت، و نجات و هلاکت، و خوبی و بدی است و لوازم زندگی انسان را فراهم نموده است.

۲. هدایت تشریحی: هدایتی از طریق ابلاغ فرامین و ارزشهای الهی از طریق انبیای الهی است.

آثار و نشانه‌های هدایت:

با بررسی آیات قرآن می‌توان آثار و نشانه‌هایی را برای وقوع هدایت شناسایی کرد که عبارتند از؛

یکتاپرستی:

«قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا اتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذَا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (انعام: ۵۶): بگو من نهی شده‌ام که کسانی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم. بگو من از هوسهای شما پیروی نمی‌کنم و گرنه گمراه می‌شوم و از راه‌یافتگان نیستم. همچنین در سوره‌های «انعام: ۷۱ و ۸۰»، «یونس: ۳۲»، «حج: ۶۷» و «شوری: ۱۳» مشابه همین معنا یافت می‌شود.

تسلیم فرامین خدا و رسول:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۴۳): و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد و قبله‌ای را که چندی بر آن بودی مقرر نکردیم جز برای آن که کسی را

که از پیامبر پیروی می کند از آن کس که از عقیده خود برمی گردد بازشناسیم هر چند این کار جز بر کسانی که خدا آنها را هدایت کرده سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند زیرا خدا نسبت به مردم دلسوز و مهربان است.

تقوا:

«وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد: ۱۷): و آنان که به هدایت گراییدند خدا آنها را هر چه بیشتر هدایت بخشید و به آنها توفیق پرهیزگاری داد. این معنا در «سوره انعام آیات ۷۲-۷۱» هم وجود دارد.

خشیت:

«وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى» (نازعات: ۱۹): و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا کنی. در واقع، خشیت حالتی است که در اثر احساس عظمت خالق و هیبت و کبریای او و ترس از دور ماندن و در حجاب ماندن از حضرتش حاصل می شود که مخصوص صاحبان معرفت نسبت به عظمت کبریائی خداوند است. "انما یخشی الله من عباده العلماء" از بندگان خدا تنها دانایان اند که خشیت می ورزند.

آرامش:

«قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸): فرمودیم جملگی از آن فرود آید پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایتم را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. همین معنا را می توان در سوره های «طه: ۴۷» و «زمر: ۲۳» یافت.

صبر:

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (سوره بقره: آیه ۱۵۵): و قطعاً شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و به شکیبایان مژده دهده. «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶): همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره: ۱۵۷): بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان باد و راه یافتگان هم خود ایشانند.

مراقبه نفس:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵): ای کسانی که ایمان آورده اید به خودتان بپردازید (مراقبت نفس نمایید) هر گاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی رساند بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه انجام می دادید آگاه خواهد کرد.

انابه:

«اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ» (شوری: ۱۳) خدا هر که را بخواهد به سوی خود بر می گزیند و هر که را که از در انابه در آید به سوی خود راه می نماید. انابه نزد اهل کلام، خارج کردن قلب از تیرگیهای شبهات است. برخی انابه را متضمن «محبت خدا»، «خضوع برای خدا»، «اقبال به خدا» و «اعراض از غیر خدا» دانسته اند.

با عنایت به مباحث قرآنی مطرح شده درخصوص هدایت و نشانه‌های آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی و همچنین مبنا قرار دادن تعریف مقبول این پژوهش از افکار عمومی؛ تعریف مختار ما از هدایت افکار عمومی اینگونه بیان می‌شود: «ارشاد و راه نمودن باورها و اعتقادات اکثریت افراد جامعه هدف، به‌گونه‌ای که در اثر آن؛ نشانه‌های یکتاپرستی، تسلیم بودن در برابر فرامین خدا و رسول، تقوا، خشیت، صبر، مراقبه نفس و انابه در فضای عمومی جامعه فراگیر شود.»

بر مبنای این تعریف، توجه به هدایت افکار عمومی در جوامع اسلامی که از دولت‌های مدعی نگرش دینی بهره می‌برند، یک فعالیت راهبردی و مبتنی بر ارزش‌های پایه آن حکومت‌ها محسوب می‌شود. عموم دولت‌های برخاسته از نگرش‌های دینی؛ هدف اصلی خود را سوق دادن جامعه به سوی سعادت میدانند، همین امر سبب میشود که اقناع و همراهی مردم با ایشان بسیار مهم تلقی شود چراکه این مساله بیش از هر چیزی برآمده از ماهیت پذیرشی و رغبتی ایمان است.^[۸]

عقاید عمومی از نظر قرآن می‌تواند حقیقت باشد یا خلاف حقیقت بنابراین، نمی‌تواند عقاید عمومی ملاک و معیاری برای راستی و درستی عملکرد مردم و مبنایی برای مطالبات آنان قرار گیرد. همان‌گونه که مردم می‌توانند عقاید خرافی و بی‌مبنایی درباره حقایق هستی و آفرینش و هدف زندگی داشته باشند؛ می‌توانند عقاید خرافی و باطلی در روش زندگی و اهداف میانی و متوسط آن داشته باشند. از نظر قرآن؛ به صورت عمومی، اقلیت نسبت به اکثریت از ویژگی‌های برتری همچون گرایش به حق، صلاح، خوبی، نیکی، اخلاص و مانند آن برخوردارند، و اکثریت بیش‌تر گرایش به باطل، فساد، بدی و زشتی پیدا می‌کنند (اعراف، ۱۳۱؛ اسراء، ۸۵؛ انعام، ۳۷ و...)، اما این مسئله در همه جوامع بشری ظهور و بروز واحدی ندارد چرا که رسولان الهی مبعوث شدند تا زمینه گسترش توحید را در اجتماع ایجاد کرده و اکثریت جامعه را به سعادت و رستگاری رهنمون شوند و در مقاطعی از تاریخ هم موفق شده‌اند. براین اساس می‌توان گفت که از نگاه قرآنی هرگز اقلیت و اکثریت بودن ملاک و معیاری برای سنجش درستی و نادرستی و راستی و ناراستی نیست اگرچه به نظر می‌رسد فضای عمومی جامعه بشری چنانچه تحت تعالیم و هدایت‌های رسولان الهی و امامان باتقوا قرار نگیرند، گرایش به باطل و فساد پیدا کرده و اکثریت افراد جامعه دچار آلودگی می‌شوند.

توده‌های مردم آسان‌ترین راه را برای زندگی و کار می‌جویند لذا دنبال کسانی می‌روند که آنان را الگو و سرمشق خویش می‌دانند. برای جوامعی که دنیا و ثروت و قدرت به عنوان مظهر سعادت شناسانده و معرفی شده باشند، انسان‌های موفق و الگو کسانی می‌شوند که این‌ها را دارند. خداوند بیان می‌کند که بسیاری از مردم حتی برخی از مومنان یهود، قارون را به عنوان الگوی موفقیت پذیرفته و از او پیروی کرده و آرزو داشتند که مانند او شوند. (قصص، ۷۶ تا ۷۹) برخی دیگر سامری را الگو و سرمشق خویش قراردادند؛ زیرا او را صنعتگری توانا یافتند که توانست گوساله‌ای بسازد که به‌شکلی طبیعی نعره سر می‌داد. (اعراف، ۱۴۸؛ طه، ۸۸)

در آیات قرآنی بیان شده که فرعون با همه تکبر و استکباری که داشت، توجه خاص و ویژه‌ای به افکار عمومی و عقیده‌سازی در میان مردم جامعه خود داشت. این‌گونه بود که گاه تمام همت خویش را برای مدیریت افکار و

عقاید نخبگانی جامعه به کار می‌گرفت و می‌کوشید تا نخبگان جامعه از ثروتمندان و قدرتمندان و دانشمندان را مدیریت کرده و افکار و عقاید آنان را شکل دهد. در حقیقت فرعون، می‌کوشید تا افکار نخبگانی را در دست داشته باشد و آنان را برای تمرکز قدرت به کار گیرد. این‌گونه است که جلسات خاص و مدیریتی برای جهت‌گیری افکار آنان برگزار می‌کند و آنان را واسطه میان خود و مردم می‌سازد. پس صاحبان زر و زور و تزویر در کنار هم قرار می‌گیرند و افکار و عقاید جامعه را شکل و سامان می‌دهند. (عنکبوت، ۳۹؛ غافر، ۲۴) فرعون تنها به جهت‌گیری و سامان‌دهی افکار نخبگانی و خواص بسنده نکرد، بلکه بر آن بود تا عقاید و افکار عامه مردم را نیز مدیریت و سامان‌دهی کرده و جهت‌گیری مطالبات آنان را به سمت و سوی که خود می‌خواست هدایت کند. این‌گونه بود که با استفاده از ساحران بر آن شد تا بر گفتمان‌های مخالف و رقیب مسلط شود.

این‌که او خواهان حشر عمومی و متینگ عمومی می‌شود نشان می‌دهد که او قدرت تحلیل بالایی از نقش توده‌ها و عقاید و افکار آنان دارد. (اعراف، ۱۱۱؛ شعراء، ۳۶ و ۵۳) او می‌خواهد به مردم این مطلب را القا کند که رقیبی چون موسی (ع) جز دغل‌کاری برای رسیدن به سلطه و راندن مردم از کشور و نفی حقوق قانونی مردم، هدف دیگری ندارد. (اعراف، ۱۱۰؛ طه، ۶۳؛ شعراء، ۳۵)

اصطلاح ملاء در قرآن به کسانی اشاره دارد که می‌توان از آنان به عنوان خواص و نخبگان جامعه یاد کرد. اینان شامل دانشمندانی چون بلعم باعورا، ثروتمندانی چون قارون، و نظامیانی چون هامان هستند. توجه به این آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که حوزه مدیریت افکار عمومی با رویکرد دانشی که امروزه در جهان غرب استفاده می‌شود و تأمین منافع و اهداف صاحبان ثروت و قدرت را دنبال می‌کند، قرابت کارکردی دارد و تعاریف علمی تولید شده در عرصه افکار عمومی و چگونگی اعمال مدیریت بر آن در همین چارچوب ارائه شده‌اند.

امروزه افکار عمومی، همه نظرات عامه مردم تلقی نمی‌شود بلکه منظور آن دسته از افکاری است که با منافع و یا ارزشهای گروه‌های اجتماعی مختلف پیوند خورده و موضع‌گیری‌ها و ابراز نظرهای متفاوت و اغلب رقیب را بر می‌انگیزاند. [۹] عامل اصلی توجه دولت‌ها به این مقوله نیز عامل انگیزشی مذکور است.

به عبارت دیگر آن دسته از افکاری مورد توجه دولت‌هاست که تغییر در آنها، تاثیر مستقیم بر توان اعمال قدرت می‌گذارد. اهمیت این مقوله در کنار ناپایداری افکار عمومی به عنوان مهمترین ویژگی آن، سبب می‌شود که توجه نهادهای سیاسی به همراه کردن افکار عمومی با خود یا همان اقناع افکار عمومی، همیشگی باشد.

افکار عمومی در غرب بر مبنای چند تئوری اساسی تبیین شده و تکامل یافته است. یکی از این تئوری‌ها، «قانون اعداد بزرگ» است که توعی جبریت جمعی را در رفتار اجتماعی تئوریزه می‌کند. سوالی که در این مورد مطرح می‌شود آنکه آزادی فردی در این میان چه نقشی ایفا می‌کند؟ این اعتراض که متضمن نوعی داوری اخلاقی است، در طول تاریخ همواره درگیری بزرگ تفکر انسانی بوده و جنبه‌های فلسفی بسیار عمیق به خود گرفته است. (در فرهنگ اسلامی نیز درگیری‌های فکری اشاعره و معتزله در باب جبر و اختیار، از همین گونه است) حال آن‌که عملاً تعارضی (دست کم ظاهری) میان این دو امر وجود ندارد. انسان ضمن برخورداری از آزادی فردی، در جمع رفتاری از خود بروز می‌دهد که صورتی «جمعی» دارد.

تئوری دیگر، قانون حساب احتمالات^۸ است. این تئوری که مبنای پیدایش روش‌های نمونه‌گیری در آمار شده‌بود، بعدها در مورد سنجش افکار استفاده شد و در سایر رشته‌های علوم اجتماعی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. از آنجایی که افکار عمومی میلیون‌ها انسان را نمی‌توان از طریق مصاحبه با یک‌یک آنان به دست آورد، سنجش افکار به کمک قانون حساب احتمالات و نمونه‌گیری علمی صورت گرفته و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

تئوری دیگر، تئوری یا تئوری‌های نگرش است. این تئوری‌ها نشان‌گر آنند که عقیده، تابعی از نگرش افراد است که در بستری از موقعیت‌های محیطی و توارث شکل می‌گیرد.

در حوزه مدیریت افکار عمومی می‌توان گفت که صاحبان قدرت و نفوذ، کانال‌های ارتباطی را کنترل و تنظیم می‌کنند، برخی موضوعات را تأکید و موضوعات دیگری را نادیده می‌گیرند و به بهترین نحو، عموم را بسیج می‌کنند تا از خط مشی آنها طرفداری کنند. لذا حاکمان سیاسی و صاحبان قدرت با بهره‌گیری از شگردهای مدیریت افکار عمومی، شاید نتوانند مردم را وادار کنند که چگونه فکر کنند اما می‌توانند به آنها بگویند که به چه چیزهایی فکر کنند. هراس رهبران سیاسی از قدرت جریان‌سازی و صعود و افول مشروعیت نظام سیاسی توسط افکار عمومی موجب شده است روند کلی مواجهه با افکار عمومی در جهان مدرن کنونی که شکاف دولت-ملت‌ها افزایش یافته است، به صورت کنترل، دستکاری و کانالیزه کردن آن متبلور شود.

با توجه به تحلیل مباحث مطرح شده در فرازهای پیشین می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که رابطه بین هدایت افکار عمومی با مدیریت افکار عمومی رابطه عموم و خصوص من‌وجه است. رابطه بین این دو مقوله را می‌توان بر اساس تبیین اشتراکات دو حوزه و اختصاصات حوزه هدایت افکار عمومی اینگونه فهم کرد:

نمودار حیطة مفهومی هدایت افکار عمومی

هدف هدایت و مدیریت افکار عمومی :	<ul style="list-style-type: none"> • ارشاد توحیدی باورها (خاص هدایت) • کانالیزه کردن باورها (مشترک)
رویکرد هدایت و مدیریت افکار عمومی :	<ul style="list-style-type: none"> • اقناع بر پایه منافع نامحسوس (خاص هدایت) • اقناع بر پایه منافع محسوس (مشترک)
ابزارهای هدایت و مدیریت افکار عمومی :	<ul style="list-style-type: none"> • فطرت، شهود، وحی (خاص هدایت) • تجربه حسی، وجدان، عقل (مشترک)
کارکرد هدایت و مدیریت افکار عمومی :	<ul style="list-style-type: none"> • تقویت رابطه افراد جامعه با خدا (خاص هدایت) • تقویت رابطه بین افراد جامعه (مشترک)

⁸ . Proabability.

امام خمینی (ره) به عنوان پیشوای بزرگ جهان اسلام در قرن بیستم که توانست پایه‌گذار بزرگترین انقلاب توحیدی در طول قرون متمادی باشد که به پیروزی رسیده و منشأ تحولات بنیادین در مسیر حرکت جامعه بشری شود مباحث عمیقی را در زمینه هدایت جوامع انسانی مطرح می‌کند که برآیند این مباحث می‌تواند در حوزه هدایت افکار عمومی جامعه راه‌گشا باشد.

ایشان در مصاحبه نوزدهم دی ۱۳۵۷ خود در نوفل لوشاتو فرانسه با خبرنگار ایتالیایی روزنامه لوتاکونتینوا به برخی از سوالات مربوط به حوزه هدایت جامعه از دیدگاه اسلامی خود پاسخ می‌دهند.

در بخشی از این بیانات امام خمینی (ره) به تشریح معنای امام جامعه پرداخته و می‌فرمایند: «امام به معنی پیشوا و کسی که جمعی را در جهتی هدایت و رهبری می‌کند. و امام بیان‌کننده خط مشی شیعه و حزب الله و رهبری‌کننده این تشکیلات بزرگ فراگیر است که تمامی وظایف آنان را از قرآن و سنت پیامبر اسلام در زمانهای مختلف و شرایط مختلف اجتهاد و استنباط می‌کند و به آنان ابلاغ می‌نماید. ایشان در پاسخ به سوال مهم خبرنگار ایتالیایی مبنی بر اینکه در جامعه اسلامی چه ارگان‌های اجتماعی مردمی باید تصمیم‌گیری سیاسی و برابری بین افراد را تضمین کند و از برقراری روابط مسلط و زیر سلطه ما بین مردم جلوگیری نماید، و همچنین کسانی را که در دستگاه حکومتی تصمیم‌گیری می‌کنند کنترل نماید؟ پاسخی راهبردی ارائه می‌فرماید: «در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند؛ در حالی که جامعه‌ها از انسانها تشکیل شده است که دارای بُعد معنوی و روح عرفانی است. و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بُعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند. اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سایر شئون زندگی بشر وارد شود پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود.»

امام خمینی (ره) در این گفتار اشاره به مدل تعاملی امام و امت بر مبنای هدایت عمومی جامعه در مسیر تعالی و رشد با بهره‌گیری از دو بازوی قدرتمند ایمان به خدا و عمل برای خدا دارد که برگرفته از مدل هدایت انبیاء است. به عبارت دیگر در این مدل به جای آنکه مدیران و صاحب‌منصبان برای حل مسائل مختلف جامعه؛ خود را در جایگاه تصمیم‌گیران نیابتی مردم بپندارند، وظیفه دارند تا به معرفت نسبت به تکلیف الهی خود به عنوان مسئول در برابر آن مسئله دست یافته و با ایمان به خدا، عمل به تکلیف کنند. چنانچه عموم مردم نیز در جایگاه خود تکلیفی مشابه دارند. این سازوکار سبب می‌شود تا به مرور افرادی که از دو ویژگی «معرفت بیشتر نسبت به تکالیف» و «توانمندی بیشتر نسبت به انجام تکالیف» برخوردار هستند در جایگاه‌های مسئولیتی بالاتر قرار گیرند و چرخ‌های این نظام قرآنی را برای حل مجموعه مسائل جامعه اسلامی به حرکت درآورند.

حضرت امام خمینی (ره) هشتم خرداد ۱۳۵۸ در جمع روحانیون و طلاب یزد که به ملاقات ایشان آمده بودند وجه دیگری از مفهوم هدایت در جامعه اسلامی را اینگونه تبیین می کنند:

« باید ما بدانیم که همه مکلف هستیم. علمای اسلام مکلفند در صف جلو. وظیفه آنها زیادتر از دیگران است. وظیفه آنها هدایت جامعه است. الآن ما احتیاج داریم به اینکه جامعه را هدایت کنیم؛ از این تفرقه‌ای که می‌خواهند بین جامعه بیندازند جلوگیری کنیم... الآن وقت بهانه‌گیری نیست، الآن وقت این نیست که ما راجع به جزئیات امور ملاحظه بکنیم؛ جزئیات امور را نظر بکنیم و از اصول غفلت نکنیم. امروز روزی است که باید اصول را حفظ کرد. حفظ اصول به این است که این ریشه‌های گندیده را از بن درآوریم؛ و این حرفه‌ایی که بین مردم انداخته‌اند که اسباب نارضایتی مردم می‌شوند، باید هدایت کنید مردم را که اینها اغراض دارند. ما امروز احتیاج به وحدت کلمه داریم؛ بیشتر از دیروز. ما امروز احتیاج به این داریم که همه با هم به سوی اسلام، به سوی جمهوری اسلامی برویم.»

این فراز از بیانات ایشان نشان می دهد که مبحث هدایت جامعه منحصر در امام جامعه اسلامی نیست بلکه فریضه‌ای محسوب می شود که عالمان و خبرگان جامعه را هم شامل می شود. به عبارت دیگر سلسله مراتب معرفتی در مبحث هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی مطرح است و علمای جامعه مکلف به حضور فعال در این عرصه با رویکرد انسجام‌بخشی و وحدت‌آفرینی هستند.

حضرت امام خمینی (ره) بیست و نهم اسفند ۱۳۵۷ در جمع هیئت دولت موقت انقلاب به تبیین وظائف اصلی برخی از ارکان نظام اسلامی پرداخته و در همین راستا نکات مهمی را برای حوزه‌های علمیه کشور مورد تأکید قرار می دهند: « همان‌طوری که قرآن ابعاد مختلفه دارد حَسَبِ ابعادی که انسان دارد، علما هم باید ابعاد مختلفه داشته باشند در تعلیم، حَسَبِ ابعادی که اسلام دارد و حَسَبِ ابعادی که انسان دارد. البته یک نفر نمی‌تواند همه این ابعاد را جوابگو باشد؛ لکن یک حوزه مرکب از ده هزار نفر یا حوزه‌های مرکب از - مثلاً - سی هزار نفر، اینها می‌توانند دسته دسته باشند و هر دسته‌ای یک بُعدی را اداره بکند: یکی جهات عقلی را، یکی جهات سیاسی را، یکی جهات این‌هایی که همه در اسلام است؛ همه این جهات در اسلام هست و باید حوزه‌ها آن‌طور باشند، مجهز بشوند و همان‌طوری که [در] اسلام ابعاد مختلفه هست، حوزه‌ها هم ابعاد مختلفه داشته باشد: اشخاص مختلف برای هدایت مردم. و اگر چنانچه از این حوزه‌ها اشخاص صحیح و اشخاص به درد بخور، از این حوزه‌ها بلند نشود، جای دیگر ما توقع باید نداشته باشیم. باید اینها همین طوری که فقه را و انحای فقه را تعلم و تعلیم می‌کنند، سایر موارد اسلام را، سایر ابعاد اسلام را هم باید تحصیل بکنند و باید تدریس بکنند، و اشخاص ارزنده را بار بیاورند تا مردم را ارشاد و هدایت بکنند.»

در این بیانات حضرت امام با تأکید بر وظیفه راهبردی حوزه‌های علمیه در تربیت نیروهای حاذق و توانمند در امر هدایت بخش‌های مختلف جامعه، با تیزبینی بر لزوم تربیت کادر متخصص در امور جاری و کاربردی جامعه اسلامی در حیطه‌های مختلف همچون سیاسی و اجتماعی را از بین طلاب و روحانیون آشنا به مبانی اسلامی مورد توجه قرار می دهند. در همین فراز ایشان هشدار می دهند که اگر حوزه‌های علمیه نتوانند این تکلیف مهم را انجام دهند، نمی توان انتظار زیادی از سایر ارکان نظام اسلامی داشت.

امام خمینی (ره) دوم شهریور ۱۳۵۸ در دیدار اقشار مختلف مردم قم از جنبه‌ای دیگر موضوع هدایت را در جامعه دینی مطرح می‌فرماید: «دین‌های بزرگ پیامبران سابق و دین بسیار بزرگ اسلام در عین حالی که یک دستشان به کتابهای آسمانی و برای هدایت مردم، دست دیگر به اسلحه‌ها بود. ابراهیم خلیل - سلام الله علیه - با یک دست صحف را داشت و با دست دیگر تبر برای سرکوبی بتها. موسی کلیم، - سلام الله علیه - با یک دست تورات را داشت و با دست دیگر عصا، عصایی که فرعونیان را به خاک مذلت نشانده، عصایی که ازدها بود، عصایی که خیانتکاران را می‌بلعید. پیغمبر بزرگ اسلام با یک دست قرآن را داشت و با دست دیگر شمشیر، شمشیر برای سرکوبی خیانت‌کاران و قرآن برای هدایت. آنها که قابل هدایت بودند، قرآن راهنمای آنها بود، آنهایی که هدایت نمی‌شدند و توطئه‌گر بودند، شمشیر بر سر آنها».

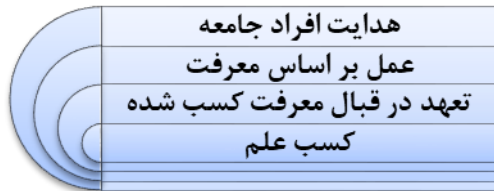
وجهی از امر بسیار مهم هدایت که در این فراز از سخنان امام راحل آشکار می‌شود، دارا بودن جنبه فرهنگی و اقناعی هدایت در جامعه است. این بدان معنا است که درون‌مایه هدایت، فکر و عقیده عمومی جامعه را هدف قرار می‌دهد که البته برای آنکه در یک جامعه انسانی فراگیر شود لازم است که در کنار آن از ابزارهای جنگ سخت همچون تبر ابراهیم، عصای موسی و شمشیر نبوی هم بهره گرفت. به عبارت دیگر هدایت افکار عمومی وجه نرم‌افزاری مورد نیاز برای اداره جامعه اسلامی است که در کنار آن باید از ابزارهای سخت‌افزاری لازم در برابر معاندین و خیانت‌کاران استفاده کرد.

حضرت امام در پیامی که به مناسبت شهادت حضرت آیت الله دستغیب نماینده امام و امام جمعه شیراز در بیستم آذرماه ۱۳۶۰ صادر می‌کنند در بیان ویژگی‌های این شهید بزرگوار و سایر شهدای محراب توسط منافقین منحرف، به نکته مهمی مرتبط با بحث هدایت جامعه اشاره کرده و می‌فرماید: «شما فرضاً شهید بهشتی را گناهکار بدانید، شهدای دیگر مثل شهید مدنی و شهید دستغیب، که جز تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشته‌اند، با چه انگیزه شهید می‌کنید؟».

این فراز پیام امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی از منظر منافقین و کفار، جنگ و محاربه تلقی شده و هادیان جامعه اسلامی به همین دلیل در معرض ترور و قتل قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر تلاش در مسیر هدایت افکار عمومی به عنوان فعالیت در جنگ نرم علیه جبهه کفر و نفاق تلقی شده و با واکنش سخت آنان مواجه خواهد شد. این شیوه مواجهه کفر و نفاق با سرداران هدایت افکار عمومی در جامعه اسلامی، نشان دهنده اثربخشی و اهمیت این نوع فعالیت در جامعه اسلامی است.

امام خمینی (ره) دوم شهریور ۱۳۵۸ در پیامی رادیو تلویزیونی به مناسبت عید فطر خطاب به ملت ایران، عالمانی را که در جامعه اسلامی حضور دارند ولی نسبت به انجام مسئولیت خطیر هدایت مردم کاهلی می‌کنند را به شدت تخطئه کرده و می‌فرماید: «وقتی که علم در انسان تاثیر نکند و انسان را انسان نکند، این حمل کتاب، چه در سینه‌ها باشد و چه در پشت باشد! مثل اینها، مثل آن اشخاصی هست که، مثل حیوانی هست، مثل الاغی هست، که کتاب به دوش او باشد: همان طور که کتاب برای آن حیوان هیچ فایده ندارد، این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد».

در این فراز حضرت امام، با استناد به آیات قرآنی، عدم عمل به تکلیف توسط عالمانی که به شناخت لازم برای هدایت افکار عمومی رسیده‌اند ولی بنا به هر دلیلی از عمل به تکالیف خود شانه خالی می‌کنند را با چهارپایان مقایسه می‌کند. این تعبیر سخت و سنگین که ریشه قرآنی دارد نشان می‌دهد که اجرای تکلیف هدایت مردم جامعه اسلامی بر عالمان، امری واجب است و دوری جستن از آن موجب سقوط جایگاه فرد، از بلندای اعلییت به



حقیض حیوانیت می‌شود. همچنین در این فراز از بیان امام مراتبی از مراحل رشد و بلوغ علم نافع در بروزات عالمان را می‌توان متصور بود که به ترتیب عبارتند از: کسب علم، تعهد در قبال معرفت اکتسابی، عمل بر اساس معرفت، هدایت افراد جامعه.

در مجموع می‌توان گفت که بیانات امام خمینی (ره) به مدل تعاملی امام و امت بر مبنای هدایت عمومی جامعه در مسیر تعالی و رشد با بهره‌گیری از دو بازوی قدرتمند ایمان به خدا و عمل برای خدا در همه شئون زندگی اشاره دارد که برگرفته از مدل هدایت انبیاء است. تحلیل مضمون بیانات امام خمینی نشان می‌دهد که در هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی به جای آنکه مدیران و صاحب منصبان برای حل مسائل مختلف جامعه؛ خود را در جایگاه تصمیم‌گیران نیابتی مردم بپندارند، وظیفه دارند تا به معرفت نسبت به تکلیف الهی خود به عنوان مسئول در برابر آن مسئله دست یافته و با ایمان به خدا، عمل به تکلیف کنند. چنانچه عموم مردم نیز در جایگاه خود تکلیفی مشابه دارند. ایشان هدایت افکار عمومی را جهاد عالمان در عرصه فکری جامعه دانسته و علم بدون عملی را که به هدایت مردم نیانجامد، بی ارزش می‌دانند. مضامین محوری برگرفته از دیدگاه امام خمینی در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول مضامین محوری بیانات امام خمینی (ره) در خصوص هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی

ردیف	مضمون محوری در بیانات امام خمینی (ره)	کد مضمون	حوزه موضوعه
۱	امام هدایت شده الهی محور هدایت جامعه است	۰۱۰۱	محوریت در هدایت افکار عمومی
۲	تربیت انسان تراز جامعه اسلامی هدف هدایت است	۰۲۰۱	هدف هدایت افکار عمومی
۳	ایمان به خدا شرط هدایت است	۰۲۰۲	شروط موفقیت هدایت افکار عمومی
۴	عمل برای خدا شرط هدایت است	۰۲۰۳	
۵	توجه توأمان به اقناع فرهنگی و اقتدار در اجرا شرط هدایت است	۰۵۰۱	
۶	تلاش برای تحقق هدایت در جامعه تکلیف مومنین است	۰۳۰۱	مکلفین در مسیر تحقق هدایت افکار عمومی
۷	جهاد برای تحقق هدایت جامعه تکلیف علماء اسلام است	۰۳۰۲	
۸	تربیت هادیان اجتماعی با تخصص‌های متنوع اداره امور جامعه تکلیف حوزه‌های علمیه است.	۰۴۰۱	
۹	هادیان جامعه اسلامی در معرض سوء قصد دشمنان حکمرانی اسلامی هستند	۰۶۰۱	ملاحظات اجرایی در هدایت افکار عمومی
۱۰	بی ارزشی علم و دانشی که در مسیر هدایت اجتماعی نباشد	۰۷۰۱	

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به عنوان رهبر و امام جامعه اسلامی دیدگاه‌های خاصی را در مورد هدایت افکار عمومی و مدیریت افکار عمومی مطرح می‌کنند که می‌تواند راهگشای این پژوهش در حوزه مفهومی باشد. در ادامه برخی از فرازهای بیانات معظم له را در عرصه هدایت افکار و باورهای جامعه مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

«برخورد افکار و آزادی افکار برای هدایت افکار است. یک نظام و یک رژیم و یک دولت که نمیتواند در راه هدایت افکار قدم بردارد و آن چیزی که برای هدایت افکار مفید هست، آن را انجام ندهد. درست همان دولت و همان دستگاه و همان نظامی که مخلصانه می‌خواهد کار کند، نباید یک حرکتی را که مایه‌ی گمراهی افکار است، آن را اجازه بدهد. اگر آزادی بیان به هدف و به منظور هدایت افکار است، پس آن بیانی که افکار را هدایت نمیکند بلکه گمراه میکند، مردم را فریب میدهد، حقایق را میپوشاند، باطل را حق جلوه میدهد، حق را باطل جلوه میدهد، آن بیانی که مایه‌ی گمراهی است، یک بیان مضر است. درست به همان دلیل که بیان حقیقت برای هدایت افکار لازم است و آزادی بیان برای رشد افکار لازم است، به همین دلیل برخی از آزادیها که از آن سوء استفاده میشود و افکار گمراه میشوند، حرام است، ممنوع است و نباید انجام بگیرد، که این موضوع آن بحثی است که خواهیم کرد و مجموعاً با این اصل اسلامی که از قرائن و شواهد به دست می‌آید و از آن آیه‌ی شریفه‌ی «فبشّر عباد الّذین یستمعون القول فیّتبعون احسنه» (۳) هم به یک نحوی ممکن است استفاده بشود. این در جای خود یک چیز مسلمی است، اما آن حدود و مرزهایی هم که وجود دارد، آن هم مسلم است.» (۱۳۶۶/۲/۴)

در این بیان مهم امام خامنه‌ای (مدظله العالی) علاوه بر اینکه تلاش دولت و نظام اسلامی را برای هدایت افکار عمومی یک اصل می‌داند، مبحث مهم آزادی افکار یا برخورد با افکار را ذیل راهبرد اصلی هدایت افکار عمومی قابل تفسیر می‌دانند. به عبارت دیگر نحوه برخورد حاکمیت با ارائه تفکرات مختلف در فضاهای عمومی را تابع مفید فایده بودن آن افکار یا مضر و گمراه کننده بودن افکار معرفی می‌کنند.

ایشان در فراز دیگری می‌فرمایند: «کسی که غیر مسؤولانه می‌خواهد هدایت افکار مردم را به دست گیرد، صلاحیت این کار را ندارد. افکار عمومی باید با مطبوعات هدایت شوند. اگر کسی غیر مسؤولانه و خدای نکرده مغرضانه بخواهد این هدایت را در دست گیرد، یقیناً خطا خواهد کرد. هیچ‌کس به راننده مست و خواب‌آلوده اجازه رانندگی نمیدهد. اگر اجازه رانندگی هم بدهند، شما سوار ماشین او نمی‌شوید.» (۱۳۷۹/۱۲/۹)

در این فراز ایشان بر موضوع صلاحیت هادیان افکار عمومی تأکید داشته و خاطر نشان می‌سازد که مسئولیت‌پذیری و مغرض نبودن دو ویژگی مهم کسانی است که می‌خواهند افکار عمومی جامعه را جهت دهی کنند. مطبوعات به عنوان یکی از بسترهای رسانه‌ای که می‌تواند در حوزه مدیریت و هدایت افکار عمومی نقش آفرینی کند مورد تأکید قرار گرفته و نویسنده بی‌صلاحیت در این عرصه با راننده خواب‌آلوده و مست مقایسه می‌شود. به عبارت دیگر موضوع صلاحیت اخلاقی و اعتقادی هادیان افکار عمومی در عرصه رسانه مورد تأکید قرار گرفته است.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در فرازی دیگر می‌فرماید: «اکنون که در نخستین ماه‌های سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی، ملت ایران فصلی درخشان را رقم زدند، از همه و به‌ویژه از عناصر سیاسی و دارندگان جایگاه‌های هدایت افکار عمومی و رسانه‌ها و دیگران می‌خواهم که همچنان روحیه همبستگی و مشارکت را تقویت کنند و از هر کار و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده بپرهیزند.» (۱۳۸۴/۳/۲۸)

آنچه که در این فراز مورد توجه است آنکه ایشان معتقد به نقش‌آفرینی رسانه‌ها و عناصر سیاسی جامعه در عرصه هدایت افکار عمومی هستند و مهمترین کارکرد این مجموعه‌ها را تقویت روحیه همبستگی و مشارکت در امور کشور و پرهیز از تفرقه افکنی و ایجاد ناامیدی در جامعه می‌دانند.

رهبر معظم انقلاب در فراز دیگری چنین می‌فرماید: «عمل ما کسانی را مؤمن به ما میکند. فرمود: کونوا لنا زیناً و لا تكونوا علینا شیئاً؛ فرمود زینت ما باشید. زینت ما بودن یعنی چه؟ یعنی جوری عمل کنید که وقتی کسی نگاه کرد بگوید: به‌به! شیعیان امیرالمؤمنین چقدر خوبند! آن که رشوه میطلبد، این زینت نیست، عیب است؛ آن که از بیت‌المال زیادی می‌خواهد و زیادی میگیرد، این عیب برای شیعه است؛ آن که بر بدی‌ها چشم میبندد و برای هدایت جامعه به سوی تقوا هیچ احساس مسئولیتی نمیکند، این عیب است برای نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی.» (۱۳۹۵/۶/۲۰)

امام جامعه در این بیان به نوعی آسیب‌شناسی در مقوله هدایت جامعه اشاره می‌کنند که سبب می‌شود روند هدایت افکار عمومی دچار اخلاص شود. عملکرد مسئولین نظام اسلامی مبتنی بر آموزه‌های سبک زندگی علوی، زمینه هدایت جامعه را در مسیر صحیح فراهم می‌کند، این در شرایطی است که مدیران بی‌مسئولیت که حافظ بیت المال نبوده و در امور مدیریتی کشور بی‌تقوایی می‌کنند، افکار عمومی را نسبت به سلامت نظام اسلامی دچار تردید کرده و زمینه لازم برای هدایت عمومی را تضعیف می‌کنند.

رهبری معظم در فراز دیگری می‌فرماید: «امتیاز نظام اسلامی در این است که این چارچوب، احکام مقدّس الهی و قوانین قرآنی و نور هدایت الهی است که بر دل و عمل و ذهن مردم پرتو افشانی و آنها را هدایت میکند. مسأله هدایت مردم یکی از مسائل بسیار مهمی است که در نظام‌های سیاسی رایج دنیا - بخصوص در نظام‌های غربی - نادیده گرفته شده است. معنای هدایت مردم این است که بر اثر تعلیم و تربیت درست و راهنمایی مردم به سرچشمه‌های فضیلت، کاری بشود که خواست مردم در جهت فضایل اخلاقی باشد و هوسهای فاسدکننده‌ای که گاهی به نام آراء و خواست مردم مطرح میگردد، از افق انتخاب مردم دور شود. امروز شما ملاحظه میکنید در بسیاری از دموکراسی‌های غربی، زشت‌ترین انحرافات - انحرافات جنسی و امثال آن - به عنوان این‌که خواست مردم است، صبغه قانونی پیدا میکند و رسمی میشود و به اشاعه آن کمک میگردد. این، غیبت عنصر معنوی و هدایت ایمانی را نشان میدهد. در نظام اسلامی - یعنی مردم‌سالاری دینی - مردم انتخاب میکنند، تصمیم میگیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند؛ اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود.» (۱۳۸۰/۵/۱۱)

^۹ امالی صدوق، ص ۴۰۰

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این فراز از بیانات خود به مسئله مهمی در حوزه هدایت جامعه اسلامی اشاره می‌کند و تأکید می‌فرمایند که مبنای هدایت افکار عمومی در جامعه ایران، احکام الهی و قوانین قرآنی است که سبب می‌شود خواسته‌های عمومی از سرچشمه‌های فضائل اخلاقی بجوشد و همانند جوامع غربی و غیردینی ریشه در منجلاب هوس‌ها و لذات زودگذر مادی نداشته باشد. به عبارت دیگر، آموزه‌های دینی و فرهنگ قرآنی حاکم بر افکار و عقاید عموم افراد جامعه در ایران اسلامی زمینه مناسبی را برای تحقق نظام حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی فراهم می‌کند و در این مسیر، هدایت افکار عمومی جامعه ایران با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های تراز انقلاب اسلامی و مرجعیت فکری علماء، دانشمندان و سیاستمداران با تقوا، مقدور خواهد شد.

ایشان در فرازی دیگر از بیاناتشان می‌فرمایند: «آیا ما به عنوان دولت اسلامی میتوانیم هدایت فرهنگی جامعه‌ی خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظائف ماست. حالا مخالفین، معترضین حرفهائی میزنند، نقد میکنند، گاهی مسخره میکنند، گاهی اهانت میکنند، بکنند؛ ما که نمیتوانیم تکلیف الهی را با این چیزها فراموش کنیم. ما وظیفه داریم مردم خودمان را هدایت بکنیم؛ هدایت. ریاست در جامعه‌ی اسلامی، ریاست مادی محض و صرف نیست؛ اداره‌ی امور زندگی مردم هست، همراه با هدایت. تا آنجائی که میتوانیم، باید راه هدایت مردم را باز کنیم و مردم را هدایت کنیم. خیلی از ابزارهای هدایت در اختیار دستگاه‌های حکومتی است؛ حالا یک نمونه‌اش صدا و سیماست و نمونه‌های فراوان دیگر هم دارد؛ یک نمونه وزارت ارشاد است، یک نمونه وزارت علوم است، یک نمونه وزارت آموزش و پرورش است؛ اینها همه دستگاه‌های خدماتی هدایتی است. ما از اینها چگونه استفاده میکنیم؟ باید در جهتی حرکت کنیم که مردم متدین بار بیایند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند، عملاً پایبند بشوند؛ جهتگیری ما در همه‌ی زمینه‌ها باید این باشد.» (۱۳۸۸/۶/۱۶)

در این فراز مهم از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نکات مهمی را می‌توان یافت. بر این اساس معظم له هدایت جامعه اسلامی را در ظهور و بروز پایبندی مردم به احکام و فرائض دینی با اعتقاد نسبت به مبانی آن معرفی کرده و برخی از دستگاه‌های حاکمیتی همچون صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را پرچمدار این مأموریت مهم می‌دانند. به عبارت دیگر طلایه داران هدایت افکار عمومی در جامعه ایران مکلفند که ضمن ارائه تخصصی و هنرمندانه توانمندی‌های اسلام ناب در پاسخگویی به نیازهای جامعه، در برابر اثرات مخرب القائات مخالفین حاکمیت ارزش‌های الهی بر افکار عمومی ایستادگی کرده و روشن‌گری کنند.

مقام عظمای ولایت در فرازی دیگر از بیاناتشان چنین می‌فرمایند: «در زمان امیرالمؤمنین، همان مخالفان هم از قرآن استفاده میکردند؛ همانها هم از آیات قرآن بهره می‌بردند. لذا کار امیرالمؤمنین به مراتب از این جهت دشوارتر بود. امیرالمؤمنین دوران حکومت کوتاه خود را با این سختی‌ها گذراند. در مقابل اینها، جبهه خود علی است؛ یک جبهه حقیقتاً قوی. کسانی مثل عمار، مثل مالک اشتر، مثل عبدالله بن عباس، مثل محمد بن ابی‌بکر، مثل میثم تمار، مثل حُجْر بن عدی بودند؛ شخصیت‌های مؤمن و بصیر و آگاهی که در هدایت افکار مردم چقدر نقش داشتند! یکی از بخشهای زیبای دوران امیرالمؤمنین - البته زیبا از جهت تلاش هنرمندانه این بزرگان؛ اما درعین حال تلخ از جهت رنج‌ها و شکنجه‌هایی که اینها کشیدند - این منظره حرکت اینها به کوفه و بصره است. وقتی که طلحه و زبیر و امثال اینها آمدند صف‌آرایی کردند و بصره را گرفتند و سراغ کوفه رفتند، حضرت، امام

حسن و بعضی از اصحاب را فرستاد. مذاکراتی که آنها با مردم کردند، حرفهایی که آنها در مسجد گفتند، محاجه‌هایی که آنها کردند، یکی از آن بخشهای پرهیجان و زیبا و پرمغز تاریخ صدر اسلام است. لذا شما میبینید که عمده تهاجم‌های دشمنان امیرالمؤمنین هم متوجه همین‌ها بود. علیه مالک اشتر، بیشترین توطئه‌ها بود؛ علیه عمّار یاسر، بیشترین توطئه‌ها بود؛ علیه محمدبن‌ابی‌بکر، توطئه بود. علیه همه آن کسانی که از اوّل کار در ماجرای امیرالمؤمنین امتحانی داده بودند و نشان داده بودند که چه ایمانهای مستحکم و استوار و چه بصیرتی دارند، از طرف دشمنان، انواع و اقسام سهامِ تهمت پرتاب میگردید و به جان آنها سوء قصد میشد و لذا اغلب‌شان هم شهید میشدند». (۱۳۷۷/۱۰/۱۸)

در این فراز نقش بارز نخبگان و افراد شاخص جامعه اسلامی در هدایت یا فریب افکارعمومی مورد اشاره قرار گرفته است. به نظر می‌رسد نقش افراد شاخص و اثرگذار بر افکار و رفتار عامه از دو منظر قابل بررسی باشد. نخستین منظر، الگوسازی اجتماعی است که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و یا سقوط شخصیت در هر یک از افراد جامعه باشد. از منظر دیگر تلاش افراد شاخص و برجسته برای تأثیرگذاری بر افکارعمومی می‌تواند بصیرت افزا در مسیر هدایت افکارعمومی باشد و از سوی دیگر می‌تواند زمینه‌ساز فتنه‌انگیزی برمبنای فریب افکارعمومی شود. چنانچه در حوادث دوران حکومت‌امام علی(ع) برخی افراد شاخص از جنس مالک‌اشترها و عمّار یاسرها بودند که با بصیرت و تبعیت از ولایت به هدایت افکارعمومی پرداختند و برخی دیگر از افراد شاخص و برجسته آن زمان مثل جناب طلحه و جناب زبیر بودند که با تحریک افکارعمومی زمینه‌ساز فتنه جنگ جمل شدند. نکته ظریفی که در این فراز از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی قابل دریافت است آنکه در جامعه‌ای که بر اساس تعالیم اسلامی اداره می‌شود اثربخش‌ترین شیوه‌های فریب افکارعمومی، توسط منافقینی انجام می‌شود که پوشش اسلامی و دینی دارند و از روش‌هایی همچون تفسیر به رأی از قرآن، متناسب با منافع و اهداف نامشروع خود بهره می‌برند.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در فراز دیگری می‌فرمایند: «این پیامی که تولید شده و ما از لحاظ اصل پیام و تحکیم و شناسایی و تدوین آن، مشکلی نداریم، برای این‌که بدانیم چگونه تقسیم و توزیع و پخش کنیم، مدیریت صحیح لازم دارد. وقتی اینها انجام گرفت، آن وقت افکارعمومی در اختیار شما(صدا و سیما) قرار می‌گیرد؛ یعنی شما می‌توانید افکارعمومی را مدیریت کنید. وقتی این کار انجام گرفت، افکارعمومی در اختیار شماست. دشمن می‌خواهد افکارعمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکارعمومی ملت خودتان و ملتهای دیگر را - تا هرجایی که صدای شما میرسد - در اختیار گیرد». (۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

رهبری معظم در این فراز از بیاناتشان بر لزوم اعمال مدیریت صحیح بر توزیع و پخش پیام‌های متعالی توسط رسانه ملی تأکید دارند که پیامد این فعالیت را مدیریت افکارعمومی در جهت هدایت جامعه قلمداد می‌کنند. در ادامه به رویکرد متقابل دشمنان نظام اسلامی در عرصه مدیریت بر توزیع و پخش پیام‌های انحرافی برای مدیریت افکارعمومی در جهت فریب جامعه اشاره کرده و ممانعت از تحقق خواسته دشمنان را از وظایف رسانه تراز انقلاب اسلامی معرفی می‌فرمایند.

امام جامعه اسلامی در فراز دیگری چنین می فرماید: «مطبوعات در ایران اسلامی و انقلابی تکلیفی بزرگ بر دوش دارند که هدایت افکار و تبیین حقایق و دفاع در برابر تهاجم بیگانگان، عناصر مهم آن است. بی تفاوتی در برابر نیازهای فکری ملت ایران و بی توجهی به آرمانهای اسلامی و انقلابی آنان که در برخی از مطبوعات کنونی کشور دیده می شود سیئه ای است که در قضاوت عمومی مردم ما در حال و آینده و در نهایت در پیشگاه دادگاه الهی در آخرت، بخشوده نیست. و مقابله و عناد در برابر این آرمانها که آن نیز متأسفانه امروز با سوءاستفاده از آزادی هائی که جمهوری اسلامی خود را بدان پایبند دانسته است، در تعدادی نشریات وجود دارد گناهی سنگین و فراموش ناشدنی است.» (۱۳۷۲/۱۰/۱)

در این فراز امام خامنه ای (مدظله العالی) به نقش مطبوعات فعال در جامعه اسلامی برای هدایت افکار عمومی بر اساس تبیین حقایق اشاره کرده و عملکرد نامناسب برخی از این مطبوعات را که با سوء استفاده از فضای آزاد ایجاد شده توسط نظام اسلامی به مقابله و عناد با آرمان های متعالی اسلام مشغولند، گناهی سنگین معرفی می کنند. به عبارت دیگر ایشان رسانه ها و مطبوعات را دارای کارکردی دوگانه می دانند که اگر در مسیر هدایت افکار عمومی گام بردارند عمل به تکلیف کرده اند و چنانچه در مسیر فریب افکار عمومی حرکت کنند راه به خطا برده و مستوجب عقاب هستند.

مقام معظم رهبری در بیانی دیگر می فرماید: «افکار عمومی را طوری تغییر داده اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمی انجام نگیرد. و آلا اگر این تبلیغات نبود، ملت های دنیا - ولو هیچ رابطه ای هم با فلسطین نداشتند - روزی نبود که تظاهراتی به نفع مردم فلسطین راه نیندازند، اعتراضی نکنند، حکومتها را زیر فشار قرار ندهند و دولتهای خودشان را برای موضعگیری تحت فشار نگذارند. اگر این تبلیغات نبود، اصلاً صحنه ی سیاست دنیا عوض میشد. اینها افکار عمومی را همان طور که خودشان میخواستند، تصرف و هدایت کردند - به خاطر رعایت همان ترتیب منطقی کار رسانه ای - و این دروغ بزرگ را در ذهن مردم جا انداختند. اگر ما بتوانیم یک کار رسانه ای درست انجام دهیم، میتوانیم این صحنه ی باطل را لااقل تا حدودی به صحنه ی حق تبدیل کنیم؛ یعنی در افکار عمومی دنیا کار را طوری پیش ببریم که واقعاً قضیه بعکس شود. بنابراین ما در این زمینه ضعیف هستیم. «ما» که میگوییم، یعنی جبهه ی حق. این در مورد افکار عمومی دنیا نسبت به یک قضیه ی بین المللی است. در مورد افکار عمومی داخل کشور هم عیناً همین مسأله وجود دارد.» (۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

شاید این فراز از بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) را بتوانیم در حوزه هدایت و مدیریت افکار عمومی مهمترین اشاره تلقی کنیم. ایشان با تأکید بر خمودی افکار عمومی در سطح جهانی، مهمترین دلیل آن را تصرف افکار عمومی جهانیان توسط نظام استکباری با رعایت ترتیب منطقی کار رسانه ای معرفی می کنند و برای مقابله با این آرایش رسانه ای مبتنی بر فریب افکار عمومی، افزایش توانمندی رسانه ای نظام اسلامی را برای بر هم زدن تصویرسازی دروغین القاء شده به ملت ها توسط رسانه های شیطانی رهنمود می دهند. به عبارت دیگر ایشان بر اصل مجوز حضور رسانه تراز انقلاب اسلامی در عرصه مدیریت افکار عمومی در مسیر تحقق هدایت افکار عمومی را مورد تأکید قرار می دهند. البته ایشان بر این نکته تأکید می کنند که عرصه جنگ نرم رسانه ای نه فقط در سطح جهانی بلکه در سطح داخلی جامعه ایران هم موضوعیت دارد.

ایشان در فراز دیگری می‌فرمایند: «نقش علمای دین در هدایت مردم، منحصر نمیشود به هدایت در امور فرعی و مسائل شخصی و اینها. مهمتر از همه‌ی اینها، هدایت مردم است در مسئله‌ی عظیم اجتماعی و مسئله‌ی حکومت و مسئله‌ی نظام اسلامی و وظائفی که مترتب بر این هست در مقابله‌ی با حوادث جهانی. یقیناً اگر نقش علمای دین و راهنمایان روحانی حذف میشد و وجود نمیداشت، این انقلاب تحقق پیدا نمیکرد؛ این نظام به وجود نمی‌آمد و باقی نمی‌ماند، با این همه مشکلات فراوانی که در سر راه این انقلاب به وجود آوردند.» (۱۳۸۸/۱۲/۶)

در این فراز امام خامنه‌ای (مدظله العالی) هدایت افکار عمومی جامعه در دوران حاکمیت احکام و قوانین اسلامی را جزء مهمترین مسئولیت‌های علمای دینی بر می‌شمارند. این مسئولیت دشوار برای آگاه‌سازی مردم نسبت به مسائل اجتماعی و حوادث جهانی در چارچوب احکام و الزامات اسلامی است و انجام این مسئولیت هم‌علت محدثه و هم علت مبقیه نظام جمهوری اسلامی برپایه مردم‌سالاری دینی معرفی می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در فراز دیگری می‌فرماید: « شما ببینید ملت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق چه میکنند. به آن چیزهایی رو می‌آورند که فطرت آنها میخواهد. البته اگر درست هدایت بشوند و راهنمایان و مسؤولان و دلسوزان علاقه‌مند به این مباحث داشته باشند، وضع آنها خوب خواهد شد؛ و آلاً چنانچه راهنما نباشد، بشر از یک گمراهی، به گمراهی دیگری منتقل خواهد شد.» (۱۳۷۰/۱۰/۱۱)

در این فراز امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با توجه به اتفاقات دوران فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بروز نشانه‌هایی از عدالت‌خواهی مردم، به ضرورت حضور راهبران و هادیان دلسوز برای هدایت آن جوامع اشاره می‌فرماید و تأکید می‌کنند که اگر این امکان فراهم نشود و خواسته‌های فطری مردم درست جهت‌دهی نشود آن جوامع از ضلالت و گمراهی کمونیسم به نوعی ضلالت و گمراهی دیگر فرو خواهند غلتید. به عبارت دیگر، چنانچه افکار عمومی جامعه‌ای مستعد تحول مثبت در مسیر الهی باشد ولی توسط خبرگان جامعه هدایت نشود، آن جامعه نخواهد توانست در مسیر رشد قرار گیرد.

مقام عظمای ولایت در فراز دیگری از بیانات خود می‌فرماید: «آزاداندیشی در جلسات تخصصی متناسب با هر بحثی باید باشد؛ در محیط‌های عمومی جای آن بحثها و مناظره‌ها نیست. این هم معنایش این نیست که دارد تحمیل میشود؛ نه، بالاخره یک فکر حق مطرح میشود؛ «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» (۴) این حکمت و موعظه‌ی حسنه و مجادله‌ی احسن برای چیست؟ «ادع الی سبیل ربک». یعنی این قبلاً یک اصل موضوعی است، دعوت به سمت خداست. در همه چیز همین جور است. دعوت باید با زبان درست انجام بگیرد، اما جهت دعوت باید مشخص باشد. معنی ندارد که انسان جهت دعوت را آزاد بگذارد؛ این موجب گمراهی مردم میشود. مردم را باید هدایت کرد. مگر نمی‌گوئید که دولت‌ها مسئول هدایت افکار مردم هستند؟» (۱۳۸۹/۵/۳۱)

در این فراز امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به ابعاد و چگونگی ارائه مباحثی جدلی و مناظره‌ای در جامعه اسلامی پرداخته و طرح اینگونه مسائل در محیط‌های عمومی را آفتی در مسیر هدایت افکار عمومی برمی‌شمارند. به عبارت دیگر در فضای عمومی جامعه؛ دولت‌ها و رسانه‌ها وظیفه دارند تا مسائل را به‌گونه‌ای جهت‌دهی کنند که از التهابات غیر ضروری پیشگیری شود اما مسائل چالش برانگیز که می‌توانند در صورت طرح در موقعیت‌های

مناسب، راهکار رفع مشکلات را آشکار کنند باید در محیط‌های تخصصی عرضه و تحلیل شوند. به عبارت دیگر در درون فضاهای عمومی جامعه اسلامی نیازی به طرح مباحث چالشی نیست اما لازم است فضای تخصصی در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و اندیشکده‌ها برای اینگونه مباحث اندیشیده شود.

رهبری معظم انقلاب در فراز دیگری می‌فرماید: «هنرمندان، زبان رسای هنر را در خدمت انقلاب و اسلام - که عزیزترین سرمایه‌ی مردم است - به‌کار گیرند و این عطیه‌ی الهی را صرف تعالی افکار مردم کنند و هنر را از آمیزش با مظاهر زینبار فرهنگ بیگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالی آن به میان مردم برند و در ذهن و دل آنان وارد کنند و از شکل کالای تجملی و مخصوص گروهی خاص خارج سازند. نویسندگان و گردانندگان مطبوعات، هدایت افکار جامعه و تلاش برای اعتلاء و ارتقای آن را وظیفه‌ی بزرگ خود دانسته، فضای ذهنی جامعه را با طرح مسایل مهم جهانی و داخلی و افشای خدعه‌های نظام سلطه‌ی بین‌المللی روشن سازند و امانت و صداقت معلمی دلسوز را، فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر خود شمارند.» (۱۳۶۸/۴/۲۳)

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در این فراز از بیاناتشان هنرمندان و فعالان رسانه‌ای را به عنوان مهمترین عناصر فعال در عرصه مدیریت افکار عمومی می‌کنند که اگر بتوانند بر اساس شاخص‌های هنرمند تراز انقلاب اسلامی تولید محصول و خدمات کنند خواهند توانست به تکلیف الهی خود در مسیر هدایت افکار عمومی عمل کنند. به عبارت دیگر هنرمندان و اهالی رسانه تراز انقلاب اسلامی با تولید در فضای هنر متعهد، می‌توانند از جایگاه کنشی در مدیریت افکار عمومی به جایگاه اثربخشی در هدایت افکار عمومی برسند.

از مجموع بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ایشان علاوه بر اینکه رسانه‌های فعال در جامعه اسلامی را به انجام مأموریت و رسالت در مسیر هدایت افکار عمومی بر اساس آموزه‌های اسلامی موظف می‌دانند، نسبت به شناخت و بهره‌گیری از علوم و مهارت‌های مدیریت افکار عمومی برای مقابله با تهاجم فرهنگی همه‌جانبه دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نظر مساعد دارند.

ایشان در بخشی از بیاناتشان به صراحت می‌فرمایند «یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه‌جا اینها دارند کار فرهنگی میکنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدفهای استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌ای متوجه به ماست؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم.» (۱۳۸۳/۹/۱۱)

به عبارت دیگر معظم له، رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری را ابزارهای اثرگذار بر شکل‌گیری افکار عمومی جامعه می‌دانند که این ابزار در اختیار دوست و دشمن قرار دارد، لذا رسانه‌های جمهوری اسلامی و در رأس آنها رسانه ملی باید علاوه بر اینکه اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص رفع نیازهای مادی و معنوی آحاد جامعه با تکیه بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی را انجام داده و سبک‌زندگی اسلامی ایرانی را ذیل مأموریت‌های هدایت افکار عمومی ترویج کنند، نباید از مأموریت آگاهی‌بخشی به مردم در خصوص ابعاد جنگ رسانه‌ای دشمنان بر پایه تهاجم فرهنگی و القاء سبک زندگی غربی کوتاهی کنند. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) پیرامون مبحث افکار عمومی نشان‌دهنده توجه توأمان ایشان به هر دو مقوله هدایت افکار عمومی و مدیریت افکار عمومی است. به

عبارت دیگر ایشان بر این عقیده هستند که در فضای فعالیت دشمنان نظام جمهوری اسلامی برای مدیریت افکار عمومی جامعه ایران، ارکان رسانه‌ای کشور باید فضای پدافندی را ایجاد کرده و از هادیان جامعه در هدایت افکار عمومی با استفاده از ابزارهای تخصصی، حمایت کنند.

با عنایت به تحلیل مضامین موجود در مجموع بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) پیرامون مسئله هدایت افکار عمومی می‌توان محورهای اصلی این مضامین را در قالب جدول ذیل مشاهده کرد.

جدول مضامین محوری بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در خصوص هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی

ردیف	مضمون محوری در بیانات امام خامنه‌ای (مدظله)	کد مضمون	حوزه موضوعه
۱	امام هدایت شده الهی محور هدایت جامعه است	۱۱۰۱	محوریت در هدایت
۲	هدایت در چارچوب احکام الهی و قوانین قرآنی محقق می‌شود	۵۰۱	افکار عمومی
۳	تربیت انسان تراز جامعه اسلامی هدف هدایت است	۶۰۱/۵۰۲	هدف هدایت افکار عمومی
۴	احساس مسئولیت مومنانه شرط هدایت است	۴۰۲	شروط موفقیت هدایت افکار عمومی
۵	عمل برای خدا شرط هدایت است	۴۰۱	
۶	برخورد با اثربخشی بر افکار عمومی یا آزادی اثرگذاری بر افکار عمومی در خدمت به هدایت افکار عمومی توجیه‌پذیر هستند.	۱۲۰۱ /۹۰۲/۱۰۱	
۷	مجریان و فعالان عرصه هدایت افکار عمومی باید صلاحیت و اهلیت داشته باشند.	۲۰۱	
۸	تقویت روحیه همبستگی اجتماعی پرهیز از تفرقه‌انگیزی در جامعه اسلامی از شروط موفقیت هدایت افکار عمومی است.	۳۰۱	
۹	تلاش برای تحقق هدایت در جامعه تکلیف مومنین است	۰۳۰۱	
۱۰	جهاد برای تحقق هدایت جامعه تکلیف علماء و بزرگان اسلام است	۱۱۰۱ /۷۰۱/۰۳۰۲	
۱۱	ارگان‌های صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش پرچمداران عرصه هدایت افکار عمومی هستند	۶۰۲	
۱۲	هنرمندان، نویسندگان و مطبوعات تکلیف بزرگی برای هدایت افکار عمومی جامعه اسلامی دارند.	۱۳۰۱/۹۰۱	
۱۳	هادیان جامعه اسلامی در معرض سوء قصد دشمنان حکمرانی اسلامی هستند	۷۰۲	ملاحظات اجرایی در هدایت
۱۴	هدایت افکار عمومی در عرصه جنگ با دشمنان حکمرانی اسلامی نیازمند هوشمندی رسانه‌های انقلاب اسلامی است.	۱۴۰۱/۸۰۱	افکار عمومی

این پژوهش با بررسی چيستی افکارعمومی و تبیین قرآنی واژه هدایت، مفهوم هدایت افکارعمومی را در فضای حکمرانی اسلامی تبیین کرده و برای آن تعریف مستدلی بدین شرح ارائه نمود؛ «ارشاد و راه نمودن باورها و اعتقادات اکثریت افراد جامعه هدف، به گونه‌ای که در اثر آن؛ نشانه‌های یکتاپرستی، تسلیم بودن در برابر فرامین خدا و رسول، تقوا، خشیت، صبر، مراقبه نفس و انابه در فضای عمومی جامعه فراگیر شود.» همچنین با تحلیل مضمون مجموعه بیانات و رهنمودهای امامین انقلاب اسلامی پیرامون موضوع هدایت جامعه و افکارعمومی، منظومه فکری امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله) در این حوزه تبیین شده است. مضامین محوری حاصل از این منظومه به شرح ذیل قابل مشاهده است.

جدول مضامین محوری بیانات امامین انقلاب اسلامی در خصوص هدایت افکارعمومی جامعه اسلامی

ردیف	مضمون محوری در بیانات امامین انقلاب اسلامی	حوزه موضوعه
۱	امام هدایت شده الهی محور هدایت جامعه است	محوریت در هدایت افکارعمومی
۲	هدایت در چارچوب احکام الهی و قوانین قرآنی محقق می شود	
۳	تربیت انسان تراز جامعه اسلامی هدف هدایت است	هدف هدایت افکارعمومی
۴	احساس مسئولیت مومنانه شرط هدایت است	شرط موفقیت در هدایت افکارعمومی
۵	عمل برای خدا شرط هدایت است	
۶	برخورد با اثربخشی بر افکارعمومی یا آزادی اثرگذاری بر افکارعمومی در خدمت به هدایت افکارعمومی توجیه پذیر هستند.	
۷	توجه توأمان به اقتناع فرهنگی و اقتدار در اجرا شرط هدایت است	
۸	مجریان و فعالان عرصه هدایت افکارعمومی باید صلاحیت و اهلیت داشته باشند.	
۹	تقویت روحیه همبستگی اجتماعی پرهیز از تفرقه‌انگیزی در جامعه اسلامی از شروط موفقیت هدایت افکارعمومی است.	
۱۰	تلاش برای تحقق هدایت در جامعه تکلیف همه مومنین است	
۱۱	جهاد برای تحقق هدایت جامعه تکلیف علماء و بزرگان اسلام است	
۱۲	تربیت هادیان اجتماعی با تخصص‌های متنوع اداره امور جامعه، تکلیف حوزه‌های علمیه است.	
۱۳	ارگان‌های صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش پرچمداران عرصه هدایت افکارعمومی هستند	
۱۴	هنرمندان، نویسندگان و مطبوعات تکلیف بزرگی برای هدایت افکارعمومی جامعه اسلامی دارند.	
۱۵	هادیان جامعه اسلامی در معرض سوء قصد دشمنان حکمرانی اسلامی هستند	ملاحظات اجرایی در هدایت افکارعمومی
۱۶	هدایت افکارعمومی در عرصه جنگ با دشمنان حکمرانی اسلامی نیازمند هوشمندی رسانه‌های انقلاب اسلامی است.	
۱۷	بی ارزشی علم و دانشی که در مسیر هدایت اجتماعی نباشد	

- [۱] اسدی، علی (۱۳۷۱): ۲۲؛ افکار عمومی و ارتباطات؛ تهران: سروش.
- [۲] آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹): ۴۸۰؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
- [۳] طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق): «اهدنا»؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- [۴] ابن فارس، احمد (۱۳۷۰): «هدی»؛ معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه.
- [۵] مصطفوی، حسن (۱۳۶۸): «هدی»؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۶] نصر، سیدحسین (۱۳۶۶)، ۱: ۱۳۱؛ صدرالمتهلین شیرازی و حکمت متعالیه، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- [۷] فخر رازی (۱۴۲۰ ق) ۱۷: ۲۴۹؛ التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۸] افتخاری، اصغر و کاظمی، سید محمد صادق (۱۳۹۶): ۱۰؛ مدل اقتناع افکار عمومی در قرآن کریم؛ مطالعه موردی مواجهه بامناقضین، تهران، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره: ۶، شماره: ۲۲.
- [۹] حسینی، سید حسین (۱۳۹۰): ۲۸؛ مروری انتقادی بر مهم ترین نظریه های تکنولوژی رسانه، مطالعات بین رشته ای در رسانه و فرهنگ، تهران.

۱. قرآن کریم
۲. اسدی، علی (۱۳۷۱)؛ افکار عمومی و ارتباطات؛ تهران: سروش.
۳. آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۹): ۴۸۰؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۴. باهنر، ناصر (۱۳۸۷)؛ رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، چاپ دوم.
۵. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر (۱۳۸۶)؛ نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۶. ثبوت، اکبر (۱۳۸۳). جایگاه افکار عمومی در حکومت اسلامی. مجله آئین، (۱).
۷. جمالی، جواد (۱۳۸۸). درآمدی بر الگوی مدیریت افکار عمومی امام خمینی (ره). مجله مطالعات عملیات روانی، (۲۴).
۸. حسینی، سید حسین (۱۳۹۰)؛ مروری انتقادی بر مهم ترین نظریه های تکنولوژی رسانه، مطالعات بین رشته ای در رسانه و فرهنگ، تهران.
۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی. پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت امام خامنه ای. www.khamenei.ir
۱۰. دادگران، سید محمد (۱۳۸۴). افکار عمومی و معیارهای سنجش آن. تهران، انتشارات مروارید.
۱۱. زارعیان، داوود (۱۳۸۶). شناخت افکار عمومی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی
۱۲. شمسینی غیاثوند، حسن (۱۳۹۰)؛ مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱۳. صالح فر، محسن (۱۳۹۲). جایگاه افکار عمومی در اندیشه قرآنی. مجله مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، (۲۶).

۱۴. طاعتی، لیلا (۱۳۸۸). افکار عمومی: رسانه‌ها و تبلیغات، تهران: انتشارات فریش.

۱۵. فردرو، محسن و رضایی، علی اکبر (۱۳۸۸). ارتباطات؛ افکار عمومی و جنگ روانی، تهران: انتشارات عباسی

۱۶. کلاته عربی، جواد (۱۳۹۲)؛ کتاب امام خمینی (ره) و رسالت جهانی هدایت، تهران: موسسه نشر

عروج

۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)؛ جامعه شناسی، منوچهر صبوری (مترجم)، تهران، نشر نی.

۱۸. متولی، کاظم (۱۳۸۴). افکار عمومی و شیوه های اقناع، تهران: انتشارات بهجت

۱۹. محمدی، سعیده (۱۳۹۴). شیوه های تأثیر بر افکار عمومی، تهران: انتشارات ساکو

۲۰. محمدی، منوچهر (۱۳۹۷)؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، تهران، چاپ و نشر بین الملل.

۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). معارف قرآن: خداشناسی جهان شناسی انسان شناسی (مشکات)،

قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)؛ التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

۱. Scott Edward Bennett (2017). Applying Public Opinion in Governance - The Uses and Future of Public Opinion in Managing Government, www.ketabdownload.com

۲. Yang cheng. (Volume 34, Issue 3, June 2017, Pages 765-773) Public relations, media coverage, and public opinion in contemporary China: Testing agenda building theory in a social mediated crisis. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0736585316302817>

۳. RasoulEtesami.s (July 2017, Pages 14344-14349), Evolution of Public Opinion under Conformist and Manipulative Behaviors. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2405896317326502>